

آغاز شمارش معکوس؛ اوج اقتدار ایران و حضيض ذلت دشمنان

آغاز شمارش معکوس؛ اوج اقتدار ایران و حضيض ذلت دشمنان

سید عیسی حسینی مزاری

در آستانه سی و سومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مطالعه اوضاع داخلی ایران و شرایط جهانی نشان می دهد که برخلاف هیاهو ها و صحنه سازی های دشمنان، حرکت جمهوری اسلامی ایران روبه پیشرفت و در حال پیمودن قله های ترقی و تعالی و رسیدن به اوج اقتدار در عرصه های مختلف است و دشمنان آن، سیر نزولی در پیش گرفته، می روند تا در حضيض ذلت قرار بگیرند.

البته دشمنان آرام نیستند و نمی گذارند تا این واقعیت برای عموم مردم چهره بنمایاند و این اعتقاد در میان توده ها هویدا گردد که ایران اسلامی، در اثر مجاهدت رهبی و مردم آن، می رود تا نتایج دسترنج ملت خود را برداشت نموده، به عنوان یک قدرت مطرح جهانی عرض اندام نماید، و لذا تمام تلاش خود را برای وارونه نسان دادن اوضاع در ایران به کار گرفته است.

آنچه که دشمن به دنبال آن است این است که این تصور را در اذهان عمومی جهان ایجاد نماید که فشارهای متعدد علیه جمهوری اسلامی ایران، به مراتب از هر زمان دیگری، بیشتر گردیده و بر اثر تداوم آن، نظام جمهوری اسلامی ایران، رو به ضعف نهاده و در نتیجه، این احتمال را قوت می بخشد که یک حمله سهمگین و خشونت بار از بیرون و برخی تنشها و نابسامانیها از داخل، می تواند کار این نظام را یکسره نماید.

این ذهنیت به خصوص برای کسانی ایجاد می شود که یا عمر آنان کفاف آن را نمی دهد که به گذشته برگردند و حوادث ایجاد شده داخلی و بین المللی مرتبط با ایران اسلامی را به بررسی بنشینند و یا اینکه در زمره نا آگاهان بوده، نگاهی به عمق نداشته، فقط به سطح مسایل، دید گذرا و عوامانه می اندازند.

در این صورت قطعی به نظر می رسد که چنین افراد و اشخاصی از وجود اوضاع فعلی ایران چه در داخل و چه در خارج نگران باشند.

اما مطالعه وضعیت سی و سه سال گذشته ایران و دشمنان منطقه ای و بین المللی آن به ویژه آمریکا و انگلیس، نشان می دهد که اوضاع برعکس بوده و ایران اسلامی به مراتب قوی تر از سی و سه سال پیش است و دشمنان آن، به مراتب ضعیف از قبل بوده و اکنون این ایران اسلامی است که در بهترین وضعیت ممکن قرار دارد.

برای بررسی این حقیقت، فقط کافی است که نگاهی هرچند گذرا به وضعیت داخلی ایران و قدرت تاثیرگذاری انقلاب اسلامی آن در منطقه و جهان و اوضاع عمومی دشمنان ایران افکنده شود، آنگاه نتیجه ای که خواهیم گرفت همان حقیقتی است که در بالا ذکر شد.

وضعیت داخلی ایران:

الف: ضعف ایران و قدرت دشمنان در دهه اول انقلاب

مقایسه دهه اول ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی با دهه چهارم، به خوبی این حقیقت را آشکار می سازد که ایران کنونی یک صدم مشکلات دهه اول پس از پیروزی را ندارد. چه اینکه جمهوری اسلامی ایران در دهه اول، علاوه بر اینکه نظامی نو پا بود و حاکمیت هنوز از استقرار و استحکام لازم برخوردار نبود و نیز انقلابیون از تجربیات خوبی بهره نداشتند و جریان ها، احزاب و گروه های غیر اسلامی هم در صفوف انقلابیون مسلمان از حضور برجسته ای برخوردار بودند، و خود خطری مهم برای نظام اسلامی محسوب می شدند، آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه خود را شاهد بود.

در این نبرد، تنها عراق نبود که علیه ایران وارد جنگ شده بود، بلکه تمام قدرتهای شرقی و غربی با تمام سازو برگ نظامی، سیاسی، فرهنگی و رسانه ای، در کنار عراق و علیه ایران حضور داشتند.

نا امنی های داخلی، ترورهای کور شخصیت ها و حتی دست اندرکاران اصلی نظام چون اعضای حزب جمهوری

اسلامی، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله مفتاح، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، شهید هاشمی نژاد و ده‌ها وصدها تن از نیروهای انقلابی و حتی مردم عادی، تجربه دیگری بود که ایرانی‌ها در دهه اول پشت سرگذاشتند.

غائله کردستان، ناآرامی‌های اقوام و طوایف مرزی و تحرکات تخریب‌گرانه گروهک‌های فداییان خلق و کومله و... از دیگر مشکلات پیش‌روی نظام اسلامی در دهه اول پیروزی انقلاب بود.

کودتای نوژه، عملیات آمریکایی‌ها علیه پایتخت کشور که در صحرای طبس با امداد غیبی مواجه گردید و به شکست مفتضحانه روبرو شد، هدف قرار گرفتن هواپیمای مسافربری ایران بر فراز خلیج فارس توسط ناو جنگی آمریکایی، تحریم‌های پیاپی ایران از سوی کشورهای غربی به ویژه آمریکا که تاکنون نیز ادامه دارد از دیگر معضلات نظام اسلامی بود.

موارد یاد شده نمونه‌های بسیار کوچک مشکلات و معضلات گریبانگیر جمهوری اسلامی ایران در آن دوره بود و بدین ترتیب، دیده می‌شود که ایران، در دهه اول پس از پیروزی، در چه موقعیتی قرار داشت.

اما از آن طرف، دشمنان نظام در نهایت قوت و قدرت قرارداداشته و از هرگونه امکانات اقتصادی، نظامی، سیاسی و رسانه‌ای و از حکومت‌های چندین دهه‌ای ظاهراً با ثبات نیز برخوردار بوده‌اند. ولی با آن هم نه تنها کوچکترین انحرافی در مسیر روبه پیشرفت انقلاب وارد نتوانستند که خود، روز به روز با شکست مفتضحانه مواجه گردیدند.

ب: اقتدار ایران و ضعف دشمنان در دهه چهارم انقلاب

اما امروز جمهوری اسلامی ایران با سپری شدن سی و سه سال از عمر آن، استقرار و استحکام بیش از پیش پیدانموده، انقلابیون و دست‌اندرکاران آن از تجربه کافی حکومت‌داری و مدیریت کلان‌جامعه بهره‌مند شده، نه تنها بسیاری از مشکلات دهه اول را ندارد که با استفاده از تصیقات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، به پیشرفت‌های خارق‌العاده‌ای هم دست یافته است.

ایران اسلامی از نظر سیاسی، امروزه در سطح بالایی از فعالیت و حضور در داخل و خارج قرار دارد و با فاصله گرفتن از حالت انفعال، سیاست فعال و تهاجمی را در پیش گرفته و از روابط گسترده دیپلماتیک برخوردار است و از برکات این روند است که ایران، دوستان زیادی در سطح جهان دست و پا نموده، به نحوی که امروزه حضور ایران در کشورهای آمریکای لاتین – یعنی حیطه خلوت آمریکا – گویای همین سیاست فعال و پویاست.

در بعد اقتصادی نیز ایران سیر خودکفایی را به سرعت طی نموده و می رود که وابستگی های اندک باقی مانده را نیز پشت سر بگذراند.

از نظر نظامی، نه تنها در منطقه که در سطح دنیا، حرف بسیاری برای گفتن دارد و هم اکنون این کشور در تولید برخی محصولات نظامی در جمع چند کشور برتر و محدود دنیا قرار دارد. ایران در صنعت هوا فضا پیشرفت حیرت انگیزی داشته به گونه ای که تنها کشور اسلامی است که بارها به فضا ماهواره فرستاده است و در صنعت و تکنولوژی و به ویژه در زمینه نانو تکنولوژی و ... نیز رشد چشمگیری داشته است.

ترقی و ورود جمهوری اسلامی ایران به عرصه انرژی هسته ای هم که حاجت به گفتن و نوشتن ندارد، چرا که دنیا را به حیرت و شگفتی واداشته است،

در فنون سدسازی، راه و ساختمان و شهرسازی نیز ایران دست بالایی پیدا نموده است، اما از همه این دستاوردها مهمتر، نیروی نظامی قدرتمند ایران در قالب سپاه، ارتش و بسیج مردمی و ایجاد کادر مدیریتی نیرومند در صحنه های اداره کلان کشور، چه از قشر دانشگاهی و چه از طلاب و علمای حوزه علمیه است که ایران اسلامی را از این نظر، به یک قدرت جهانی تبدیل نموده است.

این در حالی است که حضور مردم هم در صحنه های حمایت از این نظام، بیش از گذشته به نظر می رسد، که به عنوان مثال می توان از حضور پرشور مردم ایران در تظاهرات نهم جدي سال 88 در شهرهای مختلف ایران و به ویژه در تهران نام برد، تظاهراتی که در آن، جمعیتی چند ده میلیونی به خیابان ها ریختند به گونه ای که حتی از فضای مشرف بر شهر ها از طریق بالگردها، در پهنه لنز دوربین های قوی هوایی نیز نمی گنجیدند و زبان نیز از شمارش و تعریف آن قاصر است.

پس نتیجه اینکه ایران اسلامی نه تنها مشکلات گذشته را در مقابل خود ندارد که در همه عرصه ها، قدرتمندتر از همیشه بوده و در محوریت همه این توانمندی ها، وجود و حضور خدای متعال و توجه ائمه معصومین(ع) نیز کاملاً محسوس و مشهود است.

در این میان و با وجود همه موارد و معیارهای ذکر شده، رهبری قدرتمند، مدیر، مدبر، حکیم و توانا در راس هرم همه مجموعه ها و تشکلات مردمی، سیاسی، نظامی و اقتصادی قرار دارد، که روند روبه پیشرفت این کشور را چند و چندین برابر ساخته است.

قدرت یافتن نظام اسلامی در ایران درحالی است که دشمنان ایران، آن اقتدار دهه اول انقلاب را ندارند. بلوک شرق به زباله دان تاریخ افکنده شد و حتی بازمانده های آن در روسیه نه تنها سرستیز و مخالفی با ایران ندارند که گاه و بیگاه، هم نظر و هم خط با جمهوری اسلامی می گردند، حکومت سپاه

طالبان که همواره مزاحمت‌هایی علیه ایران اسلامی داشت به دست پدیدآورندگان شان ساقط گردید، صدام حسین همراه با همه سواره و پیاده نظام خود به تاریخ پیوست، حکومت سکولار و ضد دین و وابسته به غرب و اسرائیل تونس سرنگون شد، بزرگترین پایگاه غرب در مصر با سرنگون شدن حسنی مبارک از دست رفت، دیکتاتور یمن فرار کرد و سایر دیکتاتورهای منطقه هم که وابستگی صددرد به غرب داشتند، در حال سرنگون شدن می باشند و علاوه بر اینها، خود کشورهای غربی نیز با مشکلات عدیده ای گرفتارند.

اعتراضات میلیونی مردمی علیه حکام مستبد آمریکا، انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی، وجود فشارهای اقتصادی در حد ورشکستگی بسیاری از بنگاه های اقتصادی دولتی و خصوصی این کشور ها، بحران های مالی پی در پی، احتمال فروپاشی حوزه یورو و همه و همه، دشمنان جمهوری اسلامی ایران را در نهایت ضعف قرارداده است.

وضعیت خارجی ایران:

وضعیت ایران را در خارج از این کشور از چند زاویه می توان مورد بررسی قرارداد:

الف: انقلاب اسلامی و تاثیرگذاری عمومی

انقلاب اسلامی از بدو پیروزی، تاثیرات شگرفی در سطح دنیا گذاشت، به گونه ای که افکار عامه جهانی را تحت تاثیر قرارداد و تحولات بسیار بنیادینی در اندیشه های بشری ایجاد کرد. انقلاب اسلامی، معادله زندگی نوینی فرا روی انسان ها قرارداد، به گونه ای که علامتهای سؤال بسیار جدی در پیش روی آحاد جوامع انسانی و حتی غیرمسلمانان گذاشت به گونه ای که علاوه بر ایجاد جرأت و جسارت در میان توده های مختلف جهان جهت ابراز وجود و انعکاس خواسته های برحق خود علیه حاکمان استبداد پیشه، زمینه توجه دسته های بزرگی را به سوی اسلام فراهم نمود و کار به جایی رسید که مساجد و مراکز اسلامی در کشورهای غربی، شاهد حضور افراد و گروه های متعددی گردیدند که متقاضی گرویدن به دین اسلام می شدند.

ب: انقلاب اسلامی و احیای اسلام

انقلاب اسلامی ایران که با "ید" مسیحایی امام روح الله الموسوی الخميني "ره" هدایت و رهبری می شد و با قدرت شگفت انگیزی به پیروزی رسید، اسلام را دگر باره احیا کرد و توده های مسلمان را متوجه روند جدید زندگی نمود، به نحوی که مسلمانان کشورهای مختلف اسلامی، درک کردند که آنچه از عمرشان گذشته، در پی تبلیغات مسموم دشمن و یا در اثر غفلت و نابخوابی از توان دین جهت رهبری جامعه، کاملاً

بي حال و بي خيال سپري شده و تحت سلطه بيگانگان، زندگي اسارت باري داشته اند، لذا با تاسي به حرکت امام خمينيه"ره" موج و خروش عجيبی در میان توده های مسلمان در بسياری از کشورهای اسلامي ايجادگرديد، و اگر چه در بسا مواقع و در برخي از کشورها، اين درک و احساس به زودي رونما نگريد و تبارز علني و فوري نداشت، اما از جنب و جوش و تحرک زایدالوصف مسلمانها در میادین مختلف کاملاً محسوس بود که انقلاب اسلامي ايران به رهبري حضرت امام خمينيه"ره" تاثير به سزايي روي روحیه و افکار امت اسلامي گذاشته است.

ج: انقلاب اسلامي و ايجاد نهضت های اسلامي

انقلاب اسلامي ايران به طور مستقيم اثرات عميقي روي افکار اسلامي مسلمانان جهان گذاشت، به گونه اي که تحت رهبري های داهيانه امام خمينيه"ره" جبهه و حزب مبارزاتي تشکيل دادند.

مردم مسلمان افغانستان، دقيقاً متأثر از اين انقلاب و پیوسته با آن، در صحنه حضور يافتند و تا جايي که در میادین نبرد، با شعار ولايت فقيه و رهبري امام خمينيه"ره" به پيش مي تاختند. در عراق، گروه های مختلف اسلامي مرتبط با انقلاب اسلامي ايران تاسيس گرديدند که در برابر حکومت صدام حسين مي جنگيدند. در فلسطين، مردم اين سامان روح تازه درکالبد مبارزه خود دمیده و با الهام از اندیشه های امام خمينيه"ره" خود را سازمان دادند و در برابر اسراييل قد بر افراشتند. در لبنان، جوانان شيعه لبناني چنان تحت تاثير اندیشه های امام خمينيه"ره" قرار گرفتند که تاب و توان دشمن آن آب و خاک و بلکه دشمنان اسلام را گرفتند و پس از تاسيس حزب الله قهرمان، چندي نگذشت که نه تنها لبنان را به ثبات و آرامش رساندند که بخشهاي زيادی از خاک اشغالي خود را از زیر سلطه اسراييل آزاد نمودند.

نهضت های اسلامي در افغانستان، عراق، فلسطين و لبنان چنان ضربات سهمگيني بر پیکره دشمن وارد کردند که رفته رفته باعث به وجود آمدن افتخارات عظيمي به نفع اسلام گرديد.

درافغانستان، شوروي شکست خورد و زمام امور به دست مجاهد مرداني افتاد که با افکار و اندیشه های رهبري نظام اسلامي ايران هماهنگ بودند.

در عراق، صدام اعدام شد و مخالفين او و موافقين نظام اسلامي، بر صندلي قدرت تکیه زدند. لبناني ها، در ادامه پيروزيهاي پي در پي خود، در جنگ 33 روزه، پوزه استکبار و استعمار را به خاک مذلت ماليدند و افتخار بزرگي نصیب جهان اسلام نمودند. فلسطيني ها با محوريت سازمان های اسلامي به ويژه حماس و جهاد اسلامي، افتخارات پياپي براي اسلام و مسلمان ها کسب کردند تا جايي که در جنگ 22 روزه ثابت نمودند که قدرت اسراييل و حاميان آن پوشالي بوده و صرفاً با هدف اربعاب مسلمين، بزرگ جلوه داده شده است.

از سوي ديگر ديده مي شود كه دشمنان جمهوري اسلامي ايران، هم اكنون در باتلاق افغانستان در حال فرورفتن اند. از عراق زبونه خارج شدند و در فلسطين و لبنان هم نه تنها توان ضربه زدن به نهضت مقاومت را ندارند كه مرتب، از سرپنجه هاي جمهوري اسلامي ايران سيلي هاي جانانه ميخورند.

د: انقلاب اسلامي و بيداري اسلامي

بيداري اسلامي كه از يكسال بدینسو كسورهاي عربي را فراگرفته است، از پیامد هاي سه مورد فوق الذکر و ثمره حضور وادامه حیات قدرتمندانه نظام جمهوري اسلامي ايران تحت رهبري هاي داهيانه حضرت امام خامنه اي است.. اگرچه ممكن است برخي از افراد مغرض، اين خيزش عظيم مردمي در كسورهاي عربي را ناشي از عوامل ديگري القا نمايند، اما نگارنده وقتي با رهبران پير و جوان اين نهضت ها در تهران، يا سوريه و لبنان، ملاقات و ارتباط داشته، ديده است اين افراد به صراحت ابراز مي دارند كه از انقلاب امام خمينيه "ره" الهام گرفته اند و اكنون به تاسي از فرامين حضرت امام خامنه اي "زيدعزه الشريف" حركت كرده اند و نيز اخبار و گزارش هاي رسانه اي از كسورهاي انقلاب كرده و ياد رجال خيزش، ثابت مي سازد كه حركت ها، اسلامي بوده و سر منشا اين بيداري هم، انقلاب عظيم اسلامي در كسور ايران مي باشد.

در پي به وجود آمدن همين بيداري است كه نه تنها غرب، برخي از حاميان و عوامل منطقه اي خود را از دست داده كه در حال ازدست دادن باقي عوامل مزدور خود نيز مي باشد و اين دقيقا به معنای تضعيف جبهه استكبار و استعمار در منطقه و جهان و پذيرفتن شكست سردمداران آن به ويژه آمريكا و انگليس، است.

هم اكنون اين بيداري نه فقط كسورهاي اسلامي را فراگرفته كه تاثيرات خود را بر جوامع عربي نيز گذاشته و موجبات اعتراضات آنان را نيز فراهم آورده است

نتيجه:

بدینترتيب با يك مطالعه سرانگشتي اوضاع داخلي و خارجي ايران از يكطرف و شرايط مختلف دشمنان نظام اسلامي در دنيا از طرف ديگر، روشن مي شود كه جمهوري اسلامي ايران در اوج قدرت بوده، اما دشمنان آن در حضيض ذلت اند و از اين رو، دشمنان نه تنها نمي توانند كوچكترين خطري متوجه جمهوري اسلامي ايران كنند كه در آينده نه چندان دور، دست گدايي تقاضاي ارتباط و دوستي به طرف جمهوري اسلامي ايران دراز خواهند كرد.

در اين مجال، شايد اين سؤال پيش بيايد كه پس چرا عربي ها در تلاش هستند تا عليه ايران هياهو

ایجاد کرده و با شاخ و شانه کشیدن، تلاش کنند در اطراف ایران جا بجا شوند، و از سوی دیگر، هواپیماهای جاسوسی به فضای هوایی ایران فرستاده و با تمام قدرت رسانه ای به جان جمهوری اسلامی ایران و سوریه به عنوان کشور متحد ایران افتاده اند؟ به گونه ای که این ذهنیت را برای عده ای بی خبر از اوضاع پدید آورده که ممکن است امروز یا فردا، کار سوریه تمام شده و آنگاه نوبت به جمهوری اسلامی ایران برسد.

پاسخ این سؤال خیلی آسان و راحت به نظر می رسد و آن اینکه: وجود یک چنین شرایطی در جبهه غربی ها علیه ایران، ناشی از دستپاچگی و ترس آن ها از فروپاشی زود هنگام خودشان است.

چرا که امام خمینی "ره" با راه اندازی جنگ نرم علیه استکبار، خواب راحت را از چشمان آن ها ربود و آنها هستند که پی در پی سنگر از دست می دهند و از همین رو، از یکسو با شاخ و شانه نشان دادن و از سوی دیگر آن را در بوق و کرنا کردن از طریق رسانه ها، تلاش دارند فضای رعب و وحشت علیه مسلمان ها و به ویژه جمهوری اسلامی ایران ایجاد کنند تا از این طریق، اگر نمی توانند مسلمان ها را وادار به عقب نشینی کنند، حداقل مواجه به توقف نموده و نگذارند از این بیشتر تمام هست و بود آنها را در معرض خطر و نابودی قرار دهند.

غربی ها اگر عملاً می توانستند کاری بکنند، می کردند. چنانچه با به راه اندازی جنگ عراق علیه ایران، این قصد خود را عینیت بخشیدند و یا با سازماندهی کودتای نوژه و یا ترتیب دادن عملیات صحرای طیس و حمایت از گروه های تروریستی مانند منافقین خلق و سپس انفجار ساختمان حزب جمهوری و همچنان نخست وزیری ایران و ده ها و صدها عمل دیگر، نیت خود را به منصف ظهور رساندند، اما نتوانستند به هدف نهایی خود یعنی براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی برسند، و اکنون به کلی درمانده گردیده و مسلماً در شرایط موجود، شواهد و قرائن نشان می دهد که عمر استکبار به پایان راه رسیده و زمان اقتدار ملت های مسلمان و آزاده فرا آمده است و به طور واضح و آشکار، جمهوری اسلامی ایران به رهبری ولی فقیه زمان، حضرت امام خامنه ای "زیدعزه الشریف" در مرکز این حرکت عظیم استکبار ستیزی و ویران کننده کاخ ظلم و استبداد و فراهم شدن زمینه ظهور حضرت امام زمان (عج) و حکومت جهانی امام غایب، قرار خواهد داشت.

به امید آن روز